اشاره:
مشکلات اتحادیه اروپا تمامی ندارد. درگیری با روسیه بر سر بحران اوکراین، بحران مالی، بازگشت تروریست‌های سلفی -تکفیری از سوریه به اروپا و حالا پیروزی چپ گراها در انتخابات پارلمانی یونان که ارکان ایده اروپای واحد را به لرزه درآورده است. این اولین‌بار بعداز فروپاشی شوروی است که در اروپا یک حزب چپ غیرسوسیال دموکرات در پارلمان به قدرت می‌رسد. اما سؤال روز این است که چرا مردم یونان به چپ گراها رای دادند؟ و این رای چه تبعاتی را برای یونان و اروپا خواهد داشت؟

چرا یونانی‌ها به چپگراها رای دادند؟

یونان ۲۰۱۵ دردسر تازه اتحادیه اروپا

■ سید محمد امین آبادی

چرایی پناه بردن مردم یونان به چپگراها و نخست وزیر لائیک جدید را باید در بحران اقتصادی اتحادیه اروپا جست وجو کرد. از سال ۲۰۰۲ که استفاده از پول واحد اروپایی (یورو) در مراودات اقتصادی و تجاری ۱۹ کشور اروپایی رسمیت یافت، شماری از کارشناسان اقتصادی همان زمان پیش بینی می‌کردند که آینده نه چندان روشنی در انتظار سرنوشت وحدت پولی اروپا باشد.

عدم سنخیت بین اقتصادهای قوی و ضعیف عضو یورو به ویژه میان اعضای بهره‌مند از قدرت تولید تجاری مازاد (نظیر آلمان) و اعضای دچار کسری تجاری (نظیر یونان)، هژمونی اقتصادی آلمان و تلاش این کشور برای سلطه اقتصادی و سیاسی بر اعضا، ،نبود نظارت بر نظام بودجه نویسی اعضای یورور در کنار وحدت پولی، بی‌انضباطی مالی اعضاء، نبود مکانیسم‌های نظارتی بر عملکرد بانک‌های اروپایی و نیز وجود اقتصادهای رقابتی و غیررقابتی در کنار یکدیگر، موجب شد تا کشورهای ضعیف منطقه یورو به دلیل متحمل شدن کسری بودجه‌های شدید طی چندین سال متوالی، به دریافت وام‌هایی اقدام نمایند که عاقبت از عهده بازپرداخت بر نیایند به طوری که در نهایت در سال ۲۰۰۸ بحران اقتصادی به سرعت کشورهای اروپایی را از یونان گرفته تا پرتغال ،اسپانیا و ایتالیا یکی پس از دیگری در نوردید و این کشورها را تا مرز ورشکستگی کامل پیش برد و دولت‌ها را یکی پس‌از دیگری در این کشورها به زیر کشاند.

پاسخ اتحادیه اروپا به بحران اقتصادی کشورهای عضو یورو نسخه‌ای بود که از سوی نظریه پردازان اقتصاد بازار آزاد پیچیده شده بود؛ تروئیکای اروپا شامل مثلث اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول حاضر شد به کشورهای بحران زده و به خصوص یونان که در معرض ورشکستگی کامل قرار داشتند وام دهد یونان در دو نوبت بسته‌های کمک مالی از تروئیکا دریافت کرد اما همراه با این وام‌ها دولت یونان باید برنامه‌های دیکته شده از سوی تروئیکا را مو به مو اجرا می‌کرد حتی کار به جایی رسید که می‌بایست مدیریت اقتصادی دولت یونان نیز در هماهنگی با تروئیکا و رهبر قدرتمند آن آلمان تعیین می‌شد.

اجرای برنامه‌های سخت ریاضتی، کاهش شدید هزینه‌های عمومی دولت، کاهش بیمه‌های بازنشستگی، افزایش ساعت‌کار، فروش اموال ملی به عنوان بهای بدهی‌ها، کاهش حقوق کارمندان، اخراج گسترده نیروهای کار و حذف بخش‌های مهمی از خدمات اجتماعی تنها بخشی از برنامه‌های برون رفت از بحران دیکته شده اروپا به یونان بود.

این سیاست‌ها فشار شدیدی را به اقشار متوسط و کم درآمد جامعه یونان وارد کرد و طی سال‌های گذشته شورش‌های اجتماعی گسترده‌ای را نیز در یونان موجب شد و احساسات شدیدا ضد آلمانی و به خصوص علیه آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان نیز در یونان رشد کرد. اما با وجود همه این فشارها و برنامه‌های سخت گیرانه ریاضتی یونان از بحران خارج نشد چرا که آمارها نشان می‌داد رشد اقتصادی یونان در ابتدای سال ۲۰۱۴ نسبت به آغاز بحران در ۲۰۰۸ کاهش ۲۲ درصدی داشته و یک چهارم از حجم اقتصادی این کشور نیز کوچک‌تر شده بود. در نتیجه اجرای بسته‌های ریاضت اقتصادی دیکته شده در طی سال‌های اخیر تولید ناخالص داخلی یونان بیش از ۲۵ درصد کاهش پیدا کرد و بدهی ملی یونان از حدود ۱۰۰ درصد به بیش‌از ۱۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافت. نرخ بیکاری از ۸ درصد پیش از بحران اقتصادی به بیش از ۲۵ درصد افزایش یافت در حالی که همین نرخ در میان جوانان یونانی به بیش از ۶۰ درصد رسید. نزدیک به ۲۵ درصد از فروشگاه‌های آتن ورشکست شدند و ۱۰ درصد کل مردم یونان نیز برای ادامه حیات خود به غذای دریافتی از سازمان‌های خیریه وابسته شدند و از سوی دیگر، درصد جمعیت زیر خط فقر با ۵۰ درصد افزایش به بیش از ۳۰ درصد جمعیت کشور رسید و نرخ خودکشی نیز بیش‌از ۴۰ درصد افزایش یافت.

اجرای برنامه‌های ریاضتی نه تنها بدهی‌های خارجی دولت یونان را کم نکرد بلکه روز به روز، هفته به هفته، ماه به ماه و سال به سال نیز بر حجم این بدهی‌ها افزوده شد به طوری که یونان هر بار مجبور می‌شد برای عبور از شرایط بحرانی و ورشکستگی کامل وام‌های بیشتری را دریافت کند. هم اکنون بدهی‌های خارجی دولت یونان بالغ بر ۳۱۵ میلیارد یورو می‌باشد و حتی صندوق بین‌المللی پول از ۳۲۴ میلیارد یورو بدهی سخن به میان آورده است. این مقدار از بدهی و سود دیرکرد آن که سال به سال بر آن افزوده می‌شود ۱۷۵ تا ۱۷۷ درصد از مجموع تولید ناخالص ملی یونان به شمار می‌رود. دولت یونان بدون وام‌های جدید توانایی پرداخت بدهی‌های خود را ندارد و هم اکنون نیز زیر فشار شدیدی قرار دارد چرا که تا پایان ماه جاری میلادی (فوریه) به توافق‌های تازه‌ای با تروئیکا باید برسد، چون کمک‌ها در آن تاریخ قطع خواهد شد. در یک عبارت کلی تروئیکا دارویی را برای اقتصاد یونان تجویز کرده بود که به جای درمان درد به عنوان سمّی مهلک عمل کرده و اقتصاد یونان را از پا درآورد. وزیر دارایی جدید یونان دراین باره تصریح کرده است که تروئیکا یونان را ویران کرد.

با شکست برنامه‌های ریاضت اقتصادی در برون رفت یونان از بحران اقتصادی و به تبع آن شکست دولت راستگرای این کشور در عمل به وعده‌های خود برای خروج یونان از بحران مردم این کشور از سر ناچاری از چاله به چاه افتادند و به چپگراهایی دل بستند که نسخه‌های اقتصادی آنها نیز سال‌ها پیش ناکارامدی خود را ثابت کرده است.

انتخابات پارلمانی

یک شنبه (۵ بهمن ماه) مردم یونان در انتخابات پارلمانی زود هنگام این کشور اعتماد خود را از احزاب راستگرا و معتقد به اقتصاد بازار آزاد سلب و نمایندگان حزب چپگرای «سیریزا» را برای تشکیل دولت آینده این کشور انتخاب کردند. چنان که گفته شد شکست برنامه‌های ریاضت اقتصادی دولت دست راستی یونان باعث شد که مردم بحران زده این کشور در انتخابات زود هنگام پارلمانی این کشور از چاله به چاه بیفتند و افسار خود را برای خروج از بحران به چپگراها بسپارند.

«آلکسی سیپراس»، رهبر حزب چپ سیریزا

*** وزیر دارایی جدیدیونان تصریح کرد تروئیکای اروپا کشورش را ویران کرد.**

***

*** روزنامه «یدیعوت آحارونوت» پس‌از پیروزی « الکسیس سیپراس» در انتخابات پارلمانی یونان در مقاله‌ای از پایان ماه عسل روابط میان یونان، و رژیم صهیونیستی خبر داد.**

بلافاصله روز دوشنبه (۶ بهمن ماه)پس از پیروزی در انتخابات به عنوان نخست‌وزیر جدید یونان در مقابل رئیس جمهور یونان سوگند یاد کرد و مراسم تحلیف اعضای کابینه «آلکسی سیپراس» نیز روز سه شنبه برگزار شد و وزیران بلافاصله آماده اجرای سیاست‌های ضد ریاضتی در یونان شدند. با یک نگاه اجمالی به برنامه‌های حزب چپگرای «سیریزا» می‌توان فهمید که چرا مردم یونان این بار به چپ‌ها اعتماد کرده اند.

ممیزی و رسیدگی به وضعیت بدهی‌های یونان، مذاکره مجدد پیرامون موعد پرداخت بهره و تعلیق پرداخت‌ها ،احیای مجدد اقتصاد و بازگشت رشد و اشتغال، مبارزه با اقدامات محرمانه بانک‌ها و فرار سرمایه به خارج ،کاهش شدید هزینه‌های نظامی، افزایش میزان حداقل دستمزد به سطح قبل از کاهش هزینه‌ها و اقدامات ریاضتی، استفاده از ساختمان‌های دولت، بانک‌ها و کلیسا جهت اسکان بی‌خانمان‌ها، ارائه امکانات و خدمات بهداشتی رایگان به بیکاران، بی‌خانمان‌ها وافراد کم درآمد، کمک مالی به خانواده‌های فقیر، افزایش یارانه‌ها برای بیکاران. افزایش حمایت‌های اجتماعی برای خانواده‌های تک سرپرست، سالمندان، معلولین و خانواده‌های بدون درآمد، ملی کردن بانک‌ها،دستمزد برابر برای زنان و مردان،محدود کردن استخدام مشروط و حمایت از قراردادهای دائم و گسترش حمایت از کار، برگزاری رفراندوم پیرامون معاهدات و توافقات با اروپا، بیرون کشیدن نیروهای نظامی یونان از افغانستان و بالکان،حذف و لغو همکاری نظامی با رژیم صهیونیستی ،بستن تمام پایگاه‌های نظامی خارجی در یونان و خروج از ناتو .

موارد ذکر شده تنها بخشی از رئوس برنامه‌های «آلکسی سیپراس»، رهبر حزب چپ سیریزا بود یعنی همان چیزی که مردم می‌خواستند و می‌خواهند. اما سئوال اینجاست که آیا دولت جدید یونان می‌تواند این برنامه‌ها یا حتی بخش کوچکی از آنها را عملی کند؟

برنامه اصلی حزب سیریزا مخالفت با اجرای برنامه ریاضت اقتصادی بود حزب سیریزا اعلام کرده که با اجرای سیاست‌های ریاضت اقتصادی در ازای دریافت کمک مالی از اروپا و صندوق بین‌المللی پول مخالف است و قصد دارد درباره این توافق از جمله میزان بدهی‌های کشور مجددا مذاکره کند. حزب به مردم وعده داده که پرداخت ۶۰ درصد از بدهی‌های این کشور را لغو کند.چالش اصلی دولت چپگرای یونان بحران بدهی‌های خارجی این کشور است، ۳۲۴ میلیارد یورو بدهی خارجی دولت اصلی‌ترین چالشی است که موفقیت برنامه‌های دولت یونان منوط به حل و فصل آن است. «آلکسی سیپراس»، «یانیس واروفاکیس»، استاد ۵۳ ساله اقتصاد را به عنوان وزیر دارایی انتخاب کرده است او که از منتقدان سرسخت سیاست‌های مالی منطقه یوروست، مذاکرات مجدد بر سر بدهی‌های یونان با وام دهندگان بین‌المللی را رهبری خواهد کرد .

اما از همان آغاز روی کار آمدن دولت جدید و تیم اقتصادی رادیکال آن نشانه‌های بحران در روابط یونان واتحادیه بروز کرد. وزیراقتصاد ودارایی یونان پس ازدیدار با«یرون دیسلبلو» رئیس گروه یورو درمصاحبه مشترکی با وی صراحتا تاکید کرد که «یونان با اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی همکاری نزدیک خواهد داشت ولی حضور تروئیکا که یک هیئت سه نفره می‌باشد، دریونان به پایان رسیده است و آتن دیگر از سیاست‌های تروئیکا مثل دولت قبل تبعیت نخواهد کرد. دولت به جای همکاری با تروئیکای بین‌المللی درباره دریافت وام ترجیح می‌دهد بطور مستقیم با سران کشورهای اروپایی در خصوص دریافت وام مذاکره کند.» در یک اظهار نظر دیگر وزیر دارایی جدید یونان ترویکا را «کمیته فساد» خوانده و مذاکره با این نهادها را درباره شرایط بازپرداخت بدهی‌های کشورش رد کرده و گفته است به جای این می‌خواهد که کنفرانسی بین‌المللی با هدف بررسی چگونگی کاهش بدهی‌های خودبرگزار شود.

یونان امسال باید ۹ میلیارد یورو به صندوق بین‌المللی پول پرداخت کند که ۲،۳ میلیارد یوروی آن مربوط به ماه‌های فوریه و مارس (بهمن و اسفند) است.یونان همچنین باید ۶،۷ میلیارد یورو بدهی‌های خود به صورت اوراق قرضه را نیز طی ماه‌های آتی به بانک مرکزی اروپا بپردازد. آتن همچنین۱۵ میلیارد یورو نیز بدهی کوتاه مدت به بانک‌های این کشور دارد. یونان تنها به صندوق بین‌المللی پول بیش از ۳۶ میلیارد یورو بدهکار است.

زلزله سیاسی و اقتصادی

عده‌ای از کارشناسان سیاسی و اقتصادی پیروزی چپگرایان در انتخابات پارلمانی روز یک شنبه (۵ بهمن ماه) یونان را به منزله یک زلزله سیاسی و اقتصادی در قاره اروپا ارزیابی می‌کنند و دلیل آن هم تبعاتی است که این انتخاب می‌تواند بر کل اتحادیه، حوزه یورو، نظام سرمایه‌داری و اقتصاد آزاد در اروپا بگذارد. همین اول کار مخالفت دولت یونان با دریافت وام جدید از صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی اروپا، قطع همکاری با هیئت سه نفره تروئیکا و پافشاری بر مذاکره مستقیم با وام دهندگان بین المللی، زنگ خطر را برای بازارهای مالی به صدا درآورده است و باعث بی‌ثباتی اقتصادی در بازارهای پولی و مالی اروپا شده وشاخص‌های بورس نیز در یونان کاهش داشته است.

تبعات خارجی و داخلی متعددی را می‌توان برای قدرت گرفتن چپگراهای یونان عنوان کرد ؛ موفقیت احتمالی دولت چپگرای یونان در پیشبرد برنامه‌های خود در رونق اقتصادی و کاستن از حجم فشارها بر مردم، سیستم اقتصاد بازار آزاد حاکم بر اروپا را به چالش خواهد کشید. چرا که این موفقیت به حساب چپگرایی گذاشته خواهد شد و احتمال دارد مردم در اسپانیا، ایتالیا و فرانسه نیز اقبال بیشتری نسبت به احزاب چپگرا پیدا کنند. علاوه بر این، نفس پیروزی یک حزب چپ در یونان باعث شده تا احزاب چپگرای اروپا نیز جان تازه‌ای بگیرند بلافاصله بعد از انتخابات یونان احزاب و شخصیت‌های چپگرای انگلیس، اسپانیا و فرانسه از این پیروزی اظهار خوشحالی کرده و آن را سیلی محکمی بر اتحادیه اروپا دانستند.

تفاهم با آتن در زمینه لغو یا کاهش بدهی‌ها و سیاست‌های ریاضت اقتصادی نیز، انتظاراتی را در اسپانیا، ایتالیا و فرانسه به وجود خواهد آورد زیرا مردم این کشورها نیز خواسته‌های اقتصادی مشابه خواست مردم یونان را مطرح خواهند کرد. درست به همین دلیل «آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان، لغو یا کاهش بدهی‌های یونان را رد کرده و گفته است که بانک‌ها و وام‌دهندگان تا الان هم بخش زیادی از بدهی‌های این کشور را بخشیده‌اند. در همین ارتباط « پیر موسکوویچی»، کمیسر امور اقتصادی و دارایی اتحادیه اروپا نیز گفته است که «یونان باید به تعهدات قبلی‌اش پایبند باشد» هر چند که او هم مانند آنگلا مرکل خواهان ماندن این کشور در اتحادیه اروپا شد.«مارتین شولتز» رئیس پارلمان اتحادیه اروپا معتقد است «یونان در صورتی که خواهان ادامه حمایت‌های اتحادیه اروپاست، بایستی به تعهدات خود در قبال این اتحادیه و وام دهندگان بدون توجه به وعده‌های قبل از انتخابات عمومی این کشور عمل کند اگر سیپراس گمان می‌کند که می‌تواند بدون تروئیکا کار کند و اروپایی‌ها هم به او در تحقق وعده‌های مالی‌اش کمک خواهند کرد، سخت در اشتباه است.»

«ژان کلودیونکر» رئیس کمیسیون اروپا نیز گفته است: «اتحادیه اروپا آماده هرگونه همکاری با دولت جدید یونان می‌باشد ولی مسئله بخشش مقداری از بدهی‌های خارجی نه در دستور کار است و نه امکان‌پذیر، بعید به نظر می‌رسد که پارلمان اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی با چنین درخواستی موافقت نمایند. دولت جدید یونان دارای تعهداتی به وام دهندگان خارجی است و باید به این تعهدات عمل کند.»

*** با خروج احتمالی یونان از یورو و ورشکستگی اقتصادی این کشور شرکت‌های بزرگ غربی و اروپایی بازار بزرگ فروش محصولات خود را در یونان از دست خواهند داد.**

***

* «آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان، لغو یا کاهش بدهی‌های یونان را رد کرده و گفته است که وام‌دهندگان تا الان هم بخش زیادی از بدهی‌های این کشور را بخشیده‌اند.

عده‌ای از کارشناسان نیز این احتمال را مطرح می‌کنند که در صورتی که یونان نتواند با طلبکاران خود بر سر بدهی‌ها به مصالحه برسد؛ خروج یونان از حوزه یورو نیز مطرح خواهد بود؛ خروج احتمالی یونان از منطقه یورو باعث خواهد شد کشورهای دیگر نیز ترغیب شوند که از یورو خارج شوند و این مسئله بقای وحدت پولی اروپا را تهدید می‌کند. گرایشات «یوروگریزی» در برخی از کشورهای اروپایی قوی است و کافی است تنها یکی از این کشورها از یورو خارج شود. به عنوان نمونه نظرسنجی موسسه مطالعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موسوم به «یوریسپس»، حاکی از این است که درصد ایتالیایی‌هایی که خواستار ترک منطقه یورو هستند، از ۲۶ درصد در ابتدای سال ۲۰۱۴ میلادی به بیش از ۴۰،۱ درصد در شرایط کنونی رسیده است. بیش از نیمی از مخالفان ادامه حضور ایتالیا در منطقه یورو، بر این باورند که علت اصلی مشکلات اقتصادی ایتالیا، اتحادیه پولی مشترک اروپا بوده است.

اما خروج از یورو برای اقتصاد یونان نیز ممکن است راهگشا نباشد؛ سقوط ارزش پول ملی، کاهش قدرت خرید مردم، افزایش تورم و در نتیجه افزایش بدهی‌های خارجی به دلیل افزایش نرخ بهره تبعاتی است که با خروج یونان از یورو ممکن است در انتظار اقتصاد این کشور باشد. از سوی دیگر با خروج یونان از یورو و ورشکستگی اقتصادی این کشور شرکت‌های بزرگ غربی و اروپایی و به خصوص هواداران خود مواضع پیشین خود در حمایت قاطع از فلسطین را تکرار و نگرانی‌های رژیم اسرائیل درباره آینده روابط دو طرف را دوچندان کرد.

«سیپراس» در جریان راهپیمایی بزرگ در میدان سنت گاما در وسط آتن پایتخت یونان خاطر نشان کرد «نمی‌توان در برابر وحشی‌گری‌های اسرائیل سکوت کرد و باید جلوی تجاوزات بی‌وقفه این رژیم علیه فلسطینی‌ها را گرفت، وقتی شهروندان و کودکان فلسطینی در همان سواحل دریای مدیترانه به خاک و خون کشیده می‌شوند، ما نباید نظاره‌گر باشیم؛ چرا که وقتی امروز چنین حادثه‌ای در آن سوی آب‌های دریای مدیترانه رخ می‌دهد فردا هم می‌تواند در این سمت و علیه ما اتفاق بیفتد.»سیپراس پیش از رسیدن به قدرت نیز همواره یکی از حامیان ملت فلسطین و از منتقدان سرسخت رژیم صهیونیستی بوده و تقریباً در تمامی تجمع‌ها و راهپیمایی‌های ضداسرائیلی در داخل کشورش و حتی در خارج از مرزهای یونان مشارکت فعال داشته است. سیپراس از فعالان صلح شرکت‌کننده در ناوگان آزادی غزه در سال ۲۰۰۹ بود که با حمله کماندوهای نیروی دریایی رژیم صهیونیستی به یکی از کشتی‌های آن، ۱۰ تبعه ترک جان باختند. دولت جدید یونان خود را متعهد به اجرای برنامه‌های خود می‌داند مقامات پولی و مالی اروپا نیز مصر هستند که بدهی‌های یونان را نبخشند.کارشناسان اوضاع یونان را بسیار وخیم‌تر از این می‌دانند که کسی بتواند کاری کند. کشورهای بحران زده اروپا مثل یونان چه در یورو بمانند و چه از آن خارج شوند شبح بحران همواره بر سر آنها سنگینی خواهد کرد.

*** کاهش حجم بدهی‌ها ، خروج از ناتو، برگزاری رفراندوم پیرامون معاهدات و توافقات با اروپا، لغو همکاری نظامی با رژیم صهیونیستی، بخشی از برنامه‌هایی بود که مردم به خاطر آن به دولت جدید یونان رای دادند.**

***

*** هزاران نفر در یونان پس از پیروزی مخالفان سیاست های ریاضتی اروپا به خیابان‌ها ریختند و علیه تروئیکای اروپا شعار دادند.**

***

***کارشناسان، پیروزی چپگراها در انتخابات پارلمانی یونان را به منزله یک زلزله سیاسی و اقتصادی در قاره اروپا ارزیابی می‌کنند.**

شرکت‌های آلمانی بازار بزرگ فروش محصولات خود را در یونان از دست خواهند داد. شاید به همین دلیل باشد که کشور آلمان و نهادهای پولی و مالی اروپا به رغم تمامی فشارها به دولت جدید یونان مایل نیستند که این کشور از یورو خارج شود و در کنار تهدیدها همواره سعی می‌کنند با ارائه مشوق‌هایی، آتن را ترغیب کنند تا در یورو باقی بماند.«دیسلبلوم» »رئیس منطقه یورو گفته است: «در صورتی که آتن به همه تعهداتی که برعهده گرفته است، پایبند بماند، منطقه یورو آماده است با دولت جدید یونان همکاری کند.»

سیاست خارجی

اختلاف دولت یونان با اتحادیه اروپا تنها به حوزه اقتصادی و همکاری با تروئیکا محدود نماند و تنها سه روز پس از انتخابات عمومی یونان اختلاف این کشور با اتحادیه اروپا در حوزه سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپایی نیز نمایان شد. حزب «سیریزا » قبل از انتخابات اعلام کرده بود، چناچه این حزب قدرت را بدست گیرد، سیاست خارجی مستقلی با توجه به منافع ملی اتخاذ خواهد کرد و راه توسعه روابط با کشورهای جهان را در پیش می‌گیرد. بر همین اساس دولت جدید یونان مخالفت و نارضایتی خود از بیانیه اتحادیه اروپا در مورد درگیری‌های اوکراین را بر ضد روسیه اعلام کرد و وزیر خارجه این کشور نیز از احتمال وتوی سیاست ضد روسی اتحادیه در اجلاس وزرای خارجه اروپا خبر داد.نسخه «سیپراس» برای حل بخشی از مشکلات کشور تنوع بخشی به متحدین در عرصه سیاست خارجی است و سیاست نزدیکی به روسیه نیز در همین ارتباط ارزیابی می‌شود. دیدار با سفیر روسیه در آتن آن هم درست چند ساعت پس از ادای سوگند نشانه‌ای از سیاست جدید دولت چپ‌گرای یونان است.

ضدیت با رژیم صهیونیستی تغییر دیگر سیاست خارجی دولت جدید یونان در مقایسه با دولت قبل این کشور است. روزنامه «یدیعوت آحارونوت» پس از پیروزی « الکسیس سیپراس» در انتخابات پارلمانی این کشور در مقاله‌ای از پایان ماه عسل روابط میان یونان و رژیم صهیونیستی خبر داده و اعلام کرده بود که با به قدرت رسیدن سیپراس باید با دوران طلایی روابط یونان و رژیم صهیونیستی خداحافظی کرد. نگرانی «یدیعوت آحارونوت» زیاد هم بی‌دلیل نبود، چراکه سیپراس بلافاصله بعد از پیروزی در انتخابات در جمع انبوه

یمن؛ ضلع جدید محور مقاومت

اشاره
یمن شرایط بسیار حساسی را تجربه می‌کند. افق‌های جدیدی که پیش روی این کشور گشوده شده، این فرصت را فراهم کرده تا یمن با توجه به تحولات داخلی و مشغولیت طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، خود را به محور مقاومت در منطقه ملحق کند.

کشور یمن و تحولات سیاسی جاری در این کشور نگاه بسیاری از ناظران منطقه‌ای را به خود جلب کرده و موجب شده تا کارشناسان ضمن تحلیل و تفسیر حوادث جاری در این کشور افق‌های پیش روی آن را نیز پیش‌بینی کنند.

در این ارتباط روزنامه لبنانی «الثبات»در مقاله‌ای به قلم «نسیب حطیط»، کارشناس لبنانی امور منطقه تلاش کرده است به این سوال پاسخ دهد که «آیا با قدرت یافتن «جماعت انصار الله» در یمن این کشور به محور مقاومت در منطقه الحاق خواهد شد؟»

الثبات در این‌باره می‌نویسد: «تحولات یمن حکایت از تولدی دیگر دارد؛ یمنی که با وجود انقلاب فوریه ۲۰۱۱ میلادی، اگرچه در آن دیکتاتوری همچون «علی عبد الله صالح» سرنگون شد، اما رژیم همچنان به قوت خود باقی ماند و برای حفظ بیش از پیش آن طی این ۴ سال، آمریکا و عربستان سعودی تلاش کردند «عبد ربه منصور هادی» را جایگزین صالح کنند تا این کشور همچنان «حیات خلوت» عربستان سعودی باقی بماند و آمریکا همچنان کنترل تنگه استراتژیک و حیاتی «باب المندب» را در دست داشته باشد که مهمترین گذرگاه صادرات نفت عربستان سعودی به دیگر نقاط جهان پس از تنگه هرمز شمرده می‌شود.

در بیان اهمیت تنگه باب المندب همین بس که گفته شود که حدود ۳۰ درصد نفت جهان از این تنگه عبور می‌کند و وارد بازارهای جهانی می‌شود. همچنین سالیانه حدود ۲۱ هزار کشتی و نفت‌کش از این تنگه عبور می‌کند.

بنابراین هر طرف یا کشوری که کنترل تنگه باب المندب را در دست داشته باشد، این قدرت را خواهد یافت که دو هدف استراتژیک و اساسی منطقه‌ای و بین‌المللی را محقق کند که عبارتند از:

۱- استفاده از تنگه باب المندب برای مقابله با نبرد کاهش بهای نفت به راه انداخته شده از طرف آمریکا و عربستان سعودی جهت اعمال فشار بر روسیه و ایران و وارد آوردن ضربه به اقتصاد این دو کشور؛ به این طریق که با بستن تنگه هرمز و تنگه باب المندب عبور نفت‌کش‌ها و صدور نفت از این دو تنگه با بازارهای اقتصادی جهان را محدود کرده و در کنترل گیرد. چنین اقدامی به معنای به زانو درآوردن عربستان سعودی است که تنها نقطه قوت و قدرت آن در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تکیه بر صادرات نفت و درآمدهای ناشی از آن است.

۲- نقش تنگه باب المندب در مسدود کردن دریای سرخ و قرار دادن بندر «ایلات» رژیم صهیونیستی در محاصره محور مقاومت منطقه. تحقق چنین امری به این معناست که محور مقاومت در منطقه موفق شده تا جبهه جدیدی را به صف خود ملحق کند و به این ترتیب محور مقاومت از لبنان تا سوریه و سپس سرزمین‌های اشغالی و از آنجا تا یمن را در بر و دشمن صهیونیستی را در حلقه محاصره خود بگیرد که بازتابی مستقیم بر امنیت آن دارد و تل‌آویو را واخواهد داشت تا نظامیانش را در تمام جبهه‌ها به حالت آماده باش درآورد و در چندین جبهه وارد جنگی فرسایشی شود که تحولی استراتژیک در موازنه قوای بین محور مقاومت و محور صهیونیستی – شیوخ عرب ایجاد خواهد کرد.

*** هم اکنون نوبت به خطری به نام «جماعت انصار الله» یمن رسیده تا سعودی‌ها بیش‌از پیش خود را در محاصره خطرها و تهدیدات منطقه‌ای ببینند.**

بازتاب‌های از دست دادن یمن برای عربستان

از دست دادن یمن برای کشوری همچون عربستان ضربه‌ای مهلک خواهد بود، به ویژه آنکه عربستان سعودی هم اکنون مرحله حساس و خطرناک پس از مرگ ملک عبدالله و انتقال قدرت به سلمان بن عبدالعزیز را سپری می‌کند و از نزاع بین شاخه‌های مختلف خاندان سعودی و سالمندی و فرتونی شاهزادگانش رنج می‌برد.

*** قدرت گرفتن انصارالله در یمن به معنی به زانو درآوردن عربستان سعودی است که تنها نقطه قوت و قدرت آن در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تکیه بر صادرات نفت و درآمدهای ناشی از آن است.**

عربستان سعودی همواره به کشور یمن به دید «حیات خلوت» خود نگاه کرده است؛ کشوری که در زمان حاکمیت علی عبد الله صالح و امتیاز دهی‌هایش به آل سعود بخشی از خاک خود را از دست داد و چنان به عربستان وابسته شد که همواره به آن به عنوان بخشی از عربستان نگریسته می‌شد.

*** حفظ وحدت یمن برای مقابله با دخالت‌های خارجی و جریان تکفیری و ناکام ساختن طرح آمریکا جهت تشکیل خاورمیانه‌ای جدید امری ضروری و الزامی است.**

***

هم اکنون شرایط برای عربستان سعودی کاملا تغییر کرده است. در حالی‌که سعودی‌ها از مرزهای عراق خطر «داعش» را پیش روی خود دارند و از بخش‌هایی از مرزهای یمن با خطر «القاعده» مواجه هستند، هم اکنون نوبت به خطری به نام «جماعت انصار الله» یمن رسیده تا سعودی‌ها بیش از پیش خود را در محاصره خطرها و تهدیدات منطقه‌ای ببینند.

یمن و آغاز مرحله‌ای جدید در تاریخ این کشور

اگر گفته شود که یمن هم اکنون در برابر مرحله‌ای بسیار حساس و مهم از تاریخ این کشور قرار دارد، سخنی به گزافه گفته نشده است و همین موجب می‌شود تا سوالات بسیاری درباره افق‌های پیش روی این کشور مطرح شود، از جمله اینکه: آیا یمن وحدت خود را حفظ خواهد کرد، یا براساس طرح فدرالی تکه تکه و تجزیه خواهد شد؟ آیا تحولات جاری در یمن را باید جنگ داخلی ویرانگر همچون لیبی، سوریه وعراق به شمار آورد؟ آیا انصارالله می‌توانند، وحدت سیاسی یمن را حفظ و براساس آن دولت خویش را با ائتلاف با دیگر گروه‌های سیاسی تشکیل دهند، یا به تنهایی قدرت را در دست خواهند گرفت؟

ریشه‌های حوادث جاری در یمن

ریشه مشکلات و حوادث جاری در یمن تنها به طرف‌های داخلی ختم نمی‌شود، بلکه دخالت‌های خارجی تحت عنوان سازمان ملل و طرح شورای همکاری خلیج فارس و نقشی که آمریکا در حمایت از جریان‌ها و گروه‌های تروریستی تکفیری و در راس آنها «القاعده» ایفا می‌کند، همه و همه بر حوادث جاری در یمن تاثیرگذار هستند.

اوضاع جاری در یمن نشان می‌دهد که این کشور نیز وارد پرونده‌های منطقه‌ای شده و دستیابی به راه حل در یمن نمی‌تواند، برکنار از راه حل‌های جامع و فراگیر منطقه‌ای و در چارچوب حفظ موازنه قدرت بین روسیه و آمریکا و طرف‌های منطقه‌ای مانند ایران و مصر و عربستان سعودی باشد و این توافقات است که آینده نظام در یمن را رقم خواهد زد.

در چنین شرایطی این سوال مطرح می‌شود که آیا انصار الله می‌توانند، مدل سیاسی جدیدی متفاوت با آنچه «جماعت اخوان المسلمین» در مصر ارائه داد و قدرت را در دست خود احتکار کرد، ارائه دهد یا باب مشارکت برای تمام طیف‌ها و گروه‌های سیاسی و مذهبی و منطقه‌ای را جهت تشکیل دولت وحدت ملی را برای تثبیت و تحکیم ثبات در یمن بگشاید.

آنچه در آن تردید نیست، اینکه حفظ وحدت یمن برای مقابله با دخالت‌های خارجی و جریان تکفیری و دستاوردهای انقلاب سپتامبر ۲۰۱۴ و جلوگیری از افتادن در دام فتنه‌های مذهبی و طایفه‌ای و ناکام ساختن طرح آمریکا جهت تشکیل خاورمیانه‌ای جدید امری ضروری و الزامی است.

بنابراین به نظر می‌رسد، مردم انقلابی یمن باید از فرصت پیش آمده از مشغول بودن سعودی‌ها و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به امور داخلی خویش و سردرگمی آمریکا در منطقه و ایستادگی و مقاومت محور مقاومت و مشارکت آن در شکل گیری خاورمیانه‌ای جدید به جای مبدل شدن به یک قربانی نهایت استفاده را کنند.

منبع :فارس